

سیر تحول باورها درباره مکان‌های مقدس مطالعه موردی مزار «بیت‌الأحزان» در قبرستان بقیع

احمد خامه یار^۱

چکیده

در نبود اسناد و آثار مکتوب درباره زمان و چگونگی پیدایش بسیاری مکان‌های مقدس و زیارتگاه‌ها، باورهای مردم درباره آنها در دوره‌های مختلف دستخوش تغییر شده و گاه حتی به تغییر کاربری یا ماهیت آنها منجر شده است. نمونه‌ای از این دست زیارتگاه‌ها، مزار «بیت‌الأحزان» در قبرستان بقیع در مدینه منوره است. در این نوشتار، به عنوان نمونه سیر تحول باورهای مردم درباره مزار بیت‌الأحزان - به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع تاریخی و جغرافیایی بین سده‌های سوم تا ششم هجری - بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بیت‌الأحزان، در سده‌های اولیه اسلامی به نام «مسجد فاطمه» شهرت داشته و احتمالاً در اصل محل دفن حضرت فاطمه بنت اسد بوده است. اما در دوره‌های بعد با انتساب به حضرت فاطمه زهرا (ع)، باورهای دیگری درباره آن شکل گرفته و نهایتاً در نیمه دوم سده ششم - که مدینه به شهری شیعه‌نشین تبدیل شده بود - نام و باور کنونی رایج درباره آن تثبیت شده است.

کلیدواژه‌ها: بیت‌الأحزان، فاطمه زهرا (ع)، فاطمه بنت اسد، قبرستان بقیع، مدینه منوره، زیارتگاه‌ها، اماکن مقدس، باورهای مردم

۱. دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران

مقدمه

باورهای مردم درباره بسیاری زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس، در دوره‌های تاریخی مختلف دچار تغییر و تحولاتی می‌شود که گاه به تغییر انتساب یا حتی تغییر ماهیت آنها می‌انجامد. این مسئله‌ای بسیار رایج است و در مطالعه مزارشناسانه زیارتگاه‌های سرزمین‌های مختلف، می‌توان نمونه‌های فراوانی را از تغییر انتساب این زیارتگاه‌ها و تغییر و تحوّل باورهای مردم درباره آنها سراغ گرفت.

درباره مقبره‌ها و زیارتگاه‌های اشخاصی که با تغییر باور مردم درباره آنها، به اشخاص دیگری منسوب شده‌اند، می‌توان به مزار «شیخ انس» نزدیک شهر میادین در سوریه،^۱ مزار «نبی یعقوری» در منطقه جولان اشغالی،^۲ و مزار

۱. اهالی منطقه آن را به انس بن مالک (م ۹۳ق)، از صحابه رسول خدا ﷺ نسبت می‌دهند. میادین - واقع در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی «دیرالزور» در ساحل غربی رود فرات، در سوریه کنونی - شهر نسبتاً جدید و کوچکی است که در دوره‌های اخیر، در محل تقریبی شهر تاریخی رجبه یا رجبه مالک بن طوق شکل گرفته است. (المعجم التاريخي للقطر العربي السوري، ج ۵، ص ۳۷۶) طبیعتاً با توجه به اینکه انس بن مالک در بصره از دنیا رفته (ابن سعد، ۱۹۸۵م، ج ۷، ص ۲۵-۲۶) و در همین شهر نیز از دیرباز تاکنون مزاری برای وی وجود داشته، (هروی، ۱۹۵۳م، ص ۸۱، المحمد، ۲۰۱۳م، ص ۲۷)، انتساب مزاری به وی در میادین پذیرفتنی نیست. اما با استناد به اینکه علی بن ابی‌بکر هروی (م ۱۱۱ق) از وجود مزار یانس و لؤلؤ - دو یار ابومحمد بطلال - در رجبه در نیمه دوم سده ششم خبر داده است (هروی، ۱۹۵۳م، ص ۶۷)، می‌توان پی برد که مزار «یانس»، با تصحیف نام وی به «انس» در گذر زمان، به این صحابی مشهور پیامبر ﷺ منسوب شده است.

۲. می‌توان میان دو روستای «مسعده» و «مجدل شمس» در منطقه «جولان» اشغالی در جنوب غربی سوریه اشاره کرد که امروزه از زیارتگاه‌های مهم پیروان فرقه «دروز» به شمار می‌آید. در باور محلی رایجی میان دروز، یعقوری همان «ابوذر غفاری» است که در مسیر بازگشت خود از شام، در این محل اقامت کرده و این زیارتگاه در محل حضور وی ساخته شده است (سلامة، ۲۰۱۶م). با این حال، از شرح حالی که ابن سراج دمشقی (م ۷۴۷ق) برای یکی از صوفیان دمشق در سده هفتم هجری به نام ابوبکر یعقوری (م ۶۹۰ق) گفته است، (ابن سراج، ۹۹۷ق: ۱۸۲-۱۸۴) برمی‌آید که مزار موسوم به یعقوری در جولان، باید مدفن این شخص باشد؛ چراکه ابن سراج محل دفن وی را روستای «نمرا» در فاصله دو ساعت از قلعه «صَبَّیْه» تعیین کرده است (همانجا) و امروزه نیز در اراضی روستای مسعده، چشمه‌هایی به نام «نمره» وجود دارد که یادآور نام روستای محل دفن ابوبکر یعقوری (نمرا) و نشان‌دهنده انطباق مزار یعقوری بر قبر وی است. (خامه‌پار و بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۹ش، ص ۸۷)

«عمرو بن جندب» یا «جناده غفاری» در زیارتگاه اربعین شهر تکریت^۱ اشاره کرد.

«بیت الأحران» در قبرستان بقیع مدینه، از مکان‌های مقدس شیعه است که باورهای مردمی درباره آن بارها در دوره‌های مختلف دستخوش تغییر و تحول شده است. طبق باور رایج کنونی، که در سفرنامه‌ها و دیگر منابع تاریخی از اواخر سده ششم تا دوره قاجار گزارش شده، اینجا محل سوگواری حضرت زهرا علیها السلام پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

با این حال به نظر می‌رسد این زیارتگاه پیش از تثبیت باور رایج کنونی درباره آن، منطبق بر جایی به نام «مسجد فاطمه» بوده است و منابع تاریخی کهن، باورهای دیگری درباره آن گزارش داده‌اند. پژوهش پیش رو سیر تحول باورهای مردمی درباره این زیارتگاه را موضوع مطالعه قرار داده و به دنبال پاسخ به این سؤال است که باورها درباره بیت الأحران چه تطوراتی در طول تاریخ داشته است.

طبیعتاً بررسی عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بر این تحولات، خارج از حوصله این مقاله است و پاسخ به چرایی آن، فرصت تفصیلی دیگری را می‌طلبد. هرچند در پایان این نوشتار فضای دینی و اجتماعی حاکم بر مدینه منوره - که به تغییر ماهیت مزار، از مسجد فاطمه به بیت الأحران و تثبیت باور

۱. در باور اهالی، صاحب این مزار از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در جریان فتح تکریت در سال ۱۶ هجری قمری در زمان خلافت عمر بن خطاب با چهل تن دیگر از لشکر مسلمانان کشته شد. اما در منابع تاریخی معتبر، نام چنین شخصیتی به چشم نمی‌خورد. با این حال منابع از شخص دیگری به نام «عمرو بن جندب ازدی» یاد کرده‌اند که در جنگی که میان عبیدالله بن حرّ و مهلب بن ابی صفره در سال ۶۸ هجری قمری در تکریت رخ داد، فرمانده جناح راست لشکر «ابن حر» بود و در همین جنگ به قتل رسید و اصحاب ابن حر، وی و دیگر کشته‌های خود را شبانه، نزدیک رود فرات مقابل شهر تکریت به خاک سپردند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق؛ ۱۹۱۱م، ج ۶، ص ۳۰۸-۳۰۹) به نظر می‌رسد افسانه شهادت چهل تن در تکریت، داستان تحریف‌یافته واقعه نبرد میان ابن حر و مهلب بن ابی صفره باشد. (بحرالعلوم و خامه‌یار، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۵۲۵)

رایج کنونی درباره آن - تحلیل شده است.

گفتنی است از تحقیقاتی که پیش از این درباره قبرستان بقیع و بیت‌الاحزان انجام شده، محمدامین امینی، نظریه رایج کنونی را درباره این مزار پذیرفته است (الامینی، ۱۴۲۸ق، ۱۰۹-۱۱۱). محمدصادق نجمی نیز با استناد به برخی شواهد تاریخی موجود در متون کهن، انطباق بیت‌الاحزان بر «مسجد فاطمه» را پذیرفته، اما این دو نام را هم‌عرض یکدیگر دانسته و باور رایج کنونی را باوری اصیل و کهن به شمار آورده است. (نجمی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۶۷-۱۷۸)

«بیت‌الاحزان» در منابع و گزارش‌های تاریخی

بیت‌الاحزان نام زیارتگاه کوچکی است که تا پیش از تخریب گنبدهای بقیع در اوایل تأسیس دولت سوم سعودی، (۱۳۴۴ق) به فاصله کمی از زیارتگاه ائمه بقیع علیهم‌السلام، در سمت جنوب شرقی آن قرار داشته است. در بسیاری تواریخ محلی مدینه در حد فاصل دوره‌های ایوبی (حکومت: ۵۸۹-۶۵۸ق) تا عثمانی (۹۲۳-۱۳۴۲ق) و نیز در شماری از سفرنامه‌های عربی و فارسی، از این زیارتگاه یاد شده است و گاه توصیفی مختصر یا مفصل درباره آن ارائه شده است.

در شماری از منابع از این بنا به نام «بیت‌الحزن» (ابن جبیر، بی‌تا، ص ۱۷۴؛ سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۳۰۳؛ محیی لاری، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰۵) و در شمار دیگری، به‌ویژه سفرنامه‌های حج فارسی، به نام «بیت‌الاحزان» (هروی، ۱۹۵۳م، ص ۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۷۷) و گاه با تعابیر دیگری همچون «قبة الحزن» (کتانی حسنی، ص ۲۲۷)، «قبة الاحزان» (علی افندی، بی‌تا، ص ۱۱) یا «مسجدالحزن» - در کتیبه ترکی عثمانی سردر آن - (صبری‌پاشا، ۱۳۰۴ق، ج ۳-۴، ص ۹۷۹)، یاد شده است.

به نظر می‌رسد کهن‌ترین توصیف و اشاره تاریخی به این مزار، در برخی متون جغرافیایی نگاشته شده در نیمه دوم سده ششم، شامل *سفرنامه ابن جبیر* و کتاب *الإشارات الی معرفة الزیارات* اثر علی بن ابی‌بکر هروی ثبت شده است و

در سفرنامه‌ها و منابع تاریخی و جغرافیایی پیش از این دوره - همچون اخبار المدینه ابن شنه، سفرنامه ناصر خسرو و کتاب الاستبصار فی عجائب الامصار (از مؤلف ناشناس) - هیچ اشاره‌ای به این بنا به چشم نمی‌خورد.

ابن جبیر (م ۶۱۴ق) در توصیف این مزار نوشته است که بعد از گنبد عباس، خانه‌ای برای فاطمه دختر پیامبر ﷺ وجود دارد که به «بیت‌الحنن» شهرت دارد و گفته می‌شود در این خانه بود که ایشان پس از وفات پدرش ﷺ، به آنجا پناه می‌برد و به سوگواری می‌پرداخت. (ابن جبیر، بی‌تا، ص ۱۷۴)

هروی نیز از آن با تعبیر «بیت‌الأحزان فاطمه» یاد کرده است و به وجود قبر ایشان در آن - مقابل سایر اقوال مبنی بر دفن آن حضرت در خانه‌اش یا در گنبد ائمه بقیع - اشاره کرده است. (هروی، ۱۹۵۳م، ص ۹۳) همچنین در روایت مفصلی در بحار الأنوار در باب حوادث پس از وفات رسول خدا ﷺ و شهادت حضرت زهرا ﷺ، آمده است که امام علی ﷺ برای حضرت زهرا ﷺ خانه‌ای بیرون مدینه به نام بیت‌الأحزان ساخت که ایشان آنجا به شیون و سوگواری می‌پرداخت. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۷۷) اما ساختار داستانی این روایت آن را غیر قابل اعتماد می‌سازد و همان‌طور که خود علامه مجلسی نیز یادآور شده است، صرفاً در مقام حفظ و نقل این روایت بوده و آن را از منبعی قابل استناد نگرفته است (همان، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۷۴)

در شماری از سفرنامه‌های فارسی دوره قاجار، بیت‌الأحزان توصیف و به برخی از باورهای رایج میان زائران شیعه و ایرانی درباره آن اشاره شده است؛ برای مثال ضریح آهنی کوچکی در آن وجود داشته که به قولی در محل درخت نخلی، که به معجزه حضرت زهرا ﷺ سبز شده بود، قرار داشته است؛ (فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۱) اما به قول دیگری ایشان ﷺ پس از وفات پیامبر ﷺ، روزها در سایه آن درخت می‌نشست. (معصوم علیشاه، ۱۳۶۲ش، ص ۲۲۶) کف زمین، داخل ضریح، نیز حفره‌هایی وجود داشته که گفته می‌شده محل نشستن حضرت زهرا ﷺ بوده است. (حسام‌السلطنه، ۱۳۷۴ش، ص ۱۵۲)

ساختمان بیت الأحزان، چنان‌که در عکس قدیمی منحصر به فردی از بقیع در آلبوم عکس‌های سلطان عبدالحمید دوم عثمانی (موسوم به آلبوم‌های یلدیز) قابل رؤیت است، شامل اتاق مربعی با پلان مربع و گنبد خاکی و پوشش سفیدکاری بوده است. (خامه‌یار، در انتظار نشر، ص ۵۵) این ساختمان پس از تخریب اول بقیع به دست وهابی‌ها در سال ۱۲۲۰ هجری قمری، به دستور سلطان محمودخان ثانی عثمانی در سال ۱۲۳۳ هجری قمری بازسازی شده بود و بر سردر آن کتیبه‌ای با دو بیت شعر ترکی وجود داشت. (صبری‌پاشا، ۱۳۰۴ق، ج ۳-۴، ص ۹۷۹)

پس از تخریب دوم قبرستان بقیع در سال ۱۳۴۴ هجری قمری در دولت سوم سعودی، مزار بیت الأحزان نیز مانند سایر گنبد‌های موجود در بقیع تخریب شد. اما برخلاف سایر زیارتگاه‌ها، که لاقلاً پلان و محدوده تقریبی آنها به صورت سنگ‌چین همچنان حفظ شده، محل بیت الأحزان به علت عدم وجود قبری در آن به طور کامل پاک‌سازی و محو شده و امروزه هیچ نشانه‌ای از آن در زمین قبرستان باقی نمانده است.



نمای قبرستان بقیع پیش از تخریب گنبد‌ها در دوره دولت سعودی سوم

عکس از آلبوم یلدیز از دوره سلطان عبدالحمید دوم عثمانی (حکومت: ۱۲۹۳-۱۳۲۷ق) بیت الأحزان در منتهی‌الیه سمت راست تصویر، پشت گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام قابل رؤیت است.

سیر تحول باورهای مردمی درباره بیت‌الأحزان

همان‌طور که گفته شد، اشاره به مزار «بیت‌الحزن» یا «بیت‌الأحزان» در بقیع، از نیمه دوم سده ششم هجری به بعد در منابع تاریخی و جغرافیایی دیده می‌شود و در منابع پیش از این دوره نامی از آن به چشم نمی‌خورد. در حالی که در توصیف‌های ارائه‌شده از قبرستان بقیع در منابع پیش از نیمه دوم سده ششم، از بنایی به نام «مسجد فاطمه» در این قبرستان یاد شده است که در منابع دوره‌های بعدی، هیچ اشاره‌ای به آن به چشم نمی‌خورد.

در واقع چنین به نظر می‌رسد «مسجد فاطمه» منطبق بر جایی است که بعداً «بیت‌الأحزان» نامیده شده است؛ از جمله شواهد بر این ادعا آن است که شماری از اعلام اهل سنت که پیش از این دوره می‌زیستند، همچون امام محمد غزالی (م ۵۰۵ق) و ابن مازہ بخاری (م ۵۶۶ق)^۱، به «مسجد فاطمه» نزدیک قبر امام حسن علیه السلام در بقیع اشاره و بر استحباب نماز خواندن در آن تأکید کرده‌اند. (غزالی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۳۰۷؛ ابن مازہ، ۱۳۹۲ش، ص ۲۰۸)

مدرک مهم دیگر آن است که ابن اَبَّار (م ۶۵۸ق)، مورخ برجسته اندلسی، در شرح حال ابوهارون زاهد اندلسی (م ۲۹۱ق) نوشته است که او در سفر حج، در مدینه منوره از دنیا رفت و در بقیع، کنار قبر امام حسن علیه السلام، جلوی مسجد فاطمه به خاک سپرده شد. (ابن اَبَّار، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۱۳) با استناد به این شواهد می‌توان گفت که تغییر نام مسجد فاطمه به بیت‌الأحزان، احتمالاً در سال‌های میانی سده ششم صورت گرفته است.

۱. شمس‌الدین محمد بن عمر بن عبدالعزیز بن مازہ بخاری حنفی، از رجال خاندان «ابن مازہ» و رؤسا و فقهای بخارا در سده ششم هجری است.

گفتنی است سمهودی (م ۹۱۱ق)، مورخ برجسته مدینه، انطباق مسجد فاطمه بر بیت‌الاحزان را پذیرفته است. البته او حدس زده است که مسجد فاطمه در اصل خانه امام علی علیه السلام در بقیع باشد. (سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۲۸۹) اما با توجه به اینکه ابن مازه، در عین حال که از مسجد فاطمه نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم السلام یاد کرده، به طور مستقل نیز به خانه امام علی علیه السلام اشاره کرده است، (ابن مازه، ۱۳۹۲ش، ص ۲۰۸) به نظر می‌رسد این نظر سمهودی درست نباشد.

در شماری از متون قدیمی‌تر از مسجدی نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم السلام، بدون اشاره به نام آن یاد شده است که می‌تواند منطبق بر مسجد فاطمه باشد؛ از جمله در رساله‌ای کهن در وصف مکه و مدینه و بیت‌المقدس، از نیمه‌های سده چهارم،^۱ به محلی نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم السلام، مقابل قبر امام حسن علیه السلام اشاره شده است که در آن محل، امام علی علیه السلام بر حضرت فاطمه علیها السلام نماز خوانده و آنجا مسجدی ساخته شده است. (الجاسر، ۱۳۹۳ق، ص ۳۵۴)

تقریباً همزمان با نگارش رساله فوق، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) نیز پس از بیان زیارتنامه ائمه بقیع علیهم السلام، به اقامه هشت رکعت نماز زیارت در مسجدی در آنجا، که گفته شده محلی است که حضرت فاطمه علیها السلام در آن نماز خوانده، توصیه کرده است. (صدوق، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۷۷) آنچه شیخ صدوق با قید «قیل» (گفته شده) بیان کرده، ناظر بر وجود باوری است که در زمان وی درباره این مسجد، شاید لااقل میان شیعیان، رواج داشته است.

مسجدی که در دو متن فوق اشاره شد، جایی جز مسجد فاطمه یا بیت‌الاحزان دوره‌های بعدی نمی‌تواند باشد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه

۱. رساله وصف مکه و مدینه و بیت‌المقدس، متنی جغرافیایی از مؤلفی ناشناخته است که چنانکه مصحح آن مرحوم حمد الجاسر با استناد به شواهد درون‌متنی رساله نشان داده، مدت کمی پس از سال ۳۵۰ قمری نگاشته شده و مؤلف آن متعلق به حوزه مغرب اسلامی بوده است (ر.ک: وصف مکه والمدینه و بیت المقدس، مقدمه تصحیح، ص ۳۲۸-۳۳۰).

گرفت که در سده چهارم، باورهایی متفاوت با آنچه بعداً درباره بیت‌الأحزان رواج یافته، درباره مسجد فاطمه وجود داشته است؛ باورهایی نظیر آنکه این مسجد محل نماز خواندن حضرت فاطمه علیها السلام، یا محل نماز خواندن امام علی علیه السلام بر پیکر مطهر ایشان بوده است.

ماهیت اولیه بیت‌الأحزان

در دو سده دوم و سوم هجری، تواریخ محلی چندی برای مدینه منوره نگاشته شد که حاوی آگاهی‌ها و گزارش‌های تاریخی بسیار مهمی درباره این شهر در سده‌های نخست هجری بوده‌اند. مهمترین این تواریخ محلی عبارت‌اند از کتاب *اخبار المدینة ابن زباله*، (۱۹۹ق)، *اخبار المدینة ابن شبّه بصری* (م ۲۶۲ق) و *اخبار المدینة یحیی بن حسن علوی*. (م ۲۷۷ق) از میان آنها امروزه تنها کتاب «ابن شبّه» به دست ما رسیده است و سایر تواریخ از متون مفقود به شمار می‌آیند.

«ابن شبّه» در تاریخ مدینه خود گزارش‌هایی داده است که می‌تواند روشن‌گر وجه تسمیه و ماهیت تاریخی «مسجد فاطمه» (بیت‌الأحزان دوره‌های بعدی)، صرف نظر از باورهایی که بعداً درباره آن رواج یافته است، باشد. از این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که مسجد فاطمه، نه به نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و در ارتباط با ایشان، بلکه با انتساب به فاطمه بنت اسد، به این نام شهرت یافته و در واقع مدفن مادر گرامی امیر مؤمنان علی علیه السلام بوده است.

گزارش نخست مؤید این ادعا، گزارش ابن شبّه به نقل از ابی‌غسان، به روایت از عبدالعزیز بن عمران است که گفته است: «عبّاس [عموی پیامبر صلی الله علیه و آله] نزدیک قبر فاطمه بنت اسد، در اول قبرستان بنی‌هاشم که در [محل] خانه عقیل قرار داشته، به خاک سپرده شد؛ گفته می‌شود که آن مسجد روبه‌روی قبر وی ساخته شد». (ابن شبّه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۷)

گزارش دیگر ابن شبّه، ماهیت این مسجد را بیشتر روشن می‌کند. ابن شبّه

در گزارش دیگرش، به سند خود از محمد بن عمر بن امام علی علیه السلام نقل کرده است: زمانی که فاطمه بنت اسد از دنیا رفت، وی را به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله در محل مسجدی که در این زمان به «قبر فاطمه» شهرت دارد، به خاک سپردند. (ابن شبه، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴) چنانکه سمهودی نیز به این نکته توجه و اشاره کرده است، این روایت دلالت دارد بر آنکه در زمان ابن شبه، در محل دفن فاطمه بنت اسد، مسجدی به نام وی وجود داشته است (سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۲۷۶)

البته باید توجه داشت که مقابل گزارش‌های ابن شبه، مبنی بر به خاک سپرده شدن فاطمه بنت اسد در محل مسجد فاطمه، اقوال و گزارش‌های دیگری نیز درباره محل دفن ایشان وجود دارد. یکی از این اقوال گزارش ابن زباله به روایت از محمد بن عمر بن امام علی علیه السلام است که بر اساس آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه بنت اسد را در «روحاء»، مقابل «خُمام ابی قطیفه»، به خاک سپرد؛ جایی که نزدیک آن، قبر ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و عثمان بن مظعون قرار داشت. (سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۲۷۴)

با وجود گزارش‌هایی مبنی بر دفن فاطمه بنت اسد در محدوده بقیع زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوره‌های بعدی مزار و گنبدی برای فاطمه بنت اسد نزدیک قبر عثمان در انتهای شمال شرقی بقیع بیرون قبرستان وجود داشته است. این گنبد دست‌کم از سده ششم هجری شهرت داشته و در منابع این دوره و سایر منابع دوره‌های بعدی، به وجود آن اشاره شده است. (از جمله: ابن مازه، ۱۳۹۲ش، ص ۲۰۷؛ ابن جبیر، بی تا، ص ۱۷۴؛ ابن نجّار، ۲۰۰۶م، ص ۴۶۲؛ علی افندی، بی تا، ص ۱۲)

بی تردید چنانکه سمهودی نیز یادآوری کرده محل این قبر، که حتی دورتر از قبر عثمان بن عفّان نسبت به هسته اولیه بقیع (ابتدای غربی بقیع از سمت مدینه) بوده، مانند قبر خلیفه سوم اساساً بیرون بقیع زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشته است و کاملاً بعید است که پیامبر صلی الله علیه و آله وی را در چنین نقطه دورافتاده‌ای

نسبت به بقیع تاریخی به خاک سپرده باشد. (سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۲۷۴) بنابراین با توجه به گزارش‌های تاریخی کهن مبنی بر دفن فاطمه بنت اسد در بقیع، انتساب مزاری به وی بیرون بقیع، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. (ر.ک: ابوطالبی و صفری فروشانی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰۹-۱۳۶)

باور دیگری درباره مدفن فاطمه بنت اسد، که بیشتر میان شیعیان رواج و پذیرش دارد، آن است که قبر ایشان کنار قبر چهار امام علیهم‌السلام (درون گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام) قرار دارد. مستند این باور روایتی است که بر اساس آن امام حسن مجتبی علیه‌السلام وصیت فرموده بود تا نزد جدّ‌اش فاطمه بنت اسد به خاک سپرده شود. (مفید بغدادی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۷ و ۱۹)

اما همین روایت در دیگر منابع تاریخی اهل سنت و حتی مورخان شیعه غیر امامی، بدین صورت روایت شده است که امام حسن علیه‌السلام وصیت فرموده بود تا ایشان را کنار مادرش حضرت فاطمه علیه‌السلام دفن کنند؛ (ابن شبّه، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۱۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۱-۸۲؛ ابن حیون، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۱۲۷) ظاهر این روایت، به خاک سپردن امام حسن علیه‌السلام را نزد حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام - و نه فاطمه بنت اسد - می‌رساند.^۱

۱. در ارتباط با مدفن حضرت فاطمه زهرا علیه‌السلام (یا فاطمه بنت اسد در باور شیعیان)، اشاره به این نکته ضروری است که در دوره عثمانی، مزاری در ضلع جنوبی گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام به عنوان قبر حضرت زهرا علیه‌السلام وجود داشته که روی آن، پنجره‌ای مشبک نصب بوده است. (فراهانی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۲۹؛ حسام‌السلطنه، ص ۱۵۱) این قبر، که امروزه محل آن به صورت قبری سنگ‌چین شده در جنوب مزار ائمه بقیع علیهم‌السلام باقی مانده، گاه نزد شیعیان به عنوان مزار فاطمه بنت اسد شناخته می‌شود. درحالی‌که از شواهد تاریخی - از جمله کتیبه روی لوح مزار ائمه بقیع علیهم‌السلام که در سده‌های نخست وجود داشته و مسعودی (م ۳۴۶ق) متن آن را با دقت بازخوانی کرده (مسعودی، ۱۸۹۳م، ص ۳۰۱) و مؤلف رساله کهن وصف مکه و مدینه نیز آن را نقل به معنا کرده (الجاسر، ۱۳۹۳ق، ص ۳۵۴) - چنین برمی‌آید که در باور مردم در سده‌های نخست، مدفن حضرت فاطمه علیه‌السلام دقیقاً کنار قبور چهار امام علیهم‌السلام - نه در محل مستقلی در جنوب این قبور - قرار داشته است. کما اینکه سمهودی نیز که توصیف نسبتاً دقیقی از گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام می‌دهد، با اینکه به وجود محراب در ضلع جنوبی بنا اشاره و حتی کتیبه دوره عباسی بالای آن را بازخوانی کرده، اما به وجود قبری برای ←

قول دیگری نیز مبنی بر به خاک سپردن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خانه یا حجره ایشان، که بعدها درون مسجدالنبی صلی الله علیه و آله قرار گرفت، وجود دارد که مستند به شماری از اخبار و روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام در منابع روایی است. (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۴۶۱؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۷) این قول نزد شیعیان در مقابل قول مبنی بر دفن آن حضرت در بقیع ترجیح دارد و شماری از علمای شیعه از دیرباز تا کنون آن را پذیرفته‌اند. (از جمله: صدوق، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۷۲؛ سید ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۸۸؛ ر.ک: نجمی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱۳-۱۳۳)

با این حال معارض دیگری برای نظریه تعلق مسجد فاطمه به فاطمه بنت اسد، گزارش دیگری است که دو تحریر متفاوت از آن را هر یک از ابن سعد (م ۲۳۰ق) و ابن شبه نقل کرده‌اند. در گزارش ابن سعد، محمد بن عمر واقدی از عبدالرحمان بن ابی‌الموالی پرسیده است: «مردم می‌گویند قبر فاطمه نزد مسجدی است که آنجا بر جنازه‌هایشان در بقیع نماز می‌خوانند». او نیز با سوگند به خدا پاسخ داده است: «آنجا مسجد رقیه (نام زن سازنده) است؛ فاطمه جایی جز زاویه خانه عقیل از سمت خانه بنی جحش در بقیع دفن نشده است». (ابن سعد، ۱۹۸۵م، ج ۸، ص ۳۰)

→ حضرت فاطمه علیها السلام درون این محراب هیچ اشاره‌ای نکرده است. (سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۳۰۱) از این رو کاملاً واضح است که این مزار و پنجره مشبک روی آن، در دوره عثمانی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد منشأ پیدایش این مزار، حکایت مکاشفه‌ای است که محب‌الدین طبری (م ۹۹۴ق) به واسطه شخصی ناشناس، از ابوالعباس مُرسی (م ۶۸۶ق) - صوفی مشهور سده هفتم و از مشایخ طریقت شاذلیه - نقل کرده است. بر اساس این حکایت زمانی که ابوالعباس مُرسی بقیع را زیارت می‌کرد، مقابل ضلع قبله گنبد عباس می‌ایستاد و در آنجا به حضرت فاطمه علیها السلام سلام می‌داد و می‌گفت که محل قبر ایشان بر وی آشکار شده است. (محب‌الدین طبری، بی‌تا، ص ۱۰۴) این مکاشفه از همین منبع به شماری از منابع تاریخی و سفرنامه‌های عربی راه یافته (مطری، ۲۰۰۵م، ص ۱۱۹؛ مراغی، ۲۰۰۹م، ص ۴۵۸؛ حَضِیکِی، ۲۰۱۱م، ص ۱۶۰) و به باور وجود قبر حضرت زهرا علیها السلام در ضلع جنوبی گنبد ائمه بقیع علیهم السلام دامن زده و دست‌مایه‌ای برای ساخت ضریح یا پنجره مشبک در دوره عثمانی شده است. (خامه‌یار، ۱۴۰۱ش، ص ۳۳)

اما ابن شَبّه در گزارش خود از شخص ثقه‌ای بدون آنکه از وی نام ببرد و با قید «یُقال» (گفته می‌شود)، نقل کرده است:

مسجدی که کنار قبر فاطمه علیها السلام از سمت شرقی آن، در آن بر جنازه کودکان نماز می‌خوانند، در اصل خیمه زن سیاه‌پوستی به نام رقیه بود که امام حسین علیه السلام وی را مأمور کرده بود تا بر محل قبر حضرت فاطمه نظارت کند؛ چراکه به جز آن زن کسی محل قبر را نمی‌دانست. (ابن شَبّه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۶)

با توجه به اینکه در هسته اولیه و محدوده تاریخی و کهن قبرستان بقیع در سده‌های نخست اسلامی، منابع تاریخی و جغرافیایی تنها از وجود مسجد فاطمه، و نه مسجد دیگری، در این قبرستان گزارش داده‌اند، مسجدی که در این گزارش اشاره شد را نیز - که به قبر حضرت فاطمه علیها السلام در بقیع ارتباط یافته است - می‌توان منطبق بر مسجد فاطمه علیها السلام دانست. بر این اساس باید خاستگاه دیگری را برای مسجد فاطمه علیها السلام متصور شد که مغایر با باور رایج در دوره‌های متأخر درباره بیت‌الاحزان است.

این دو گزارش منطبق بر دیدگاه مورخان عامه مبنی بر وجود قبر حضرت زهرا علیها السلام در بقیع است که با اخبار معتبر روایت‌شده از اهل بیت علیهم السلام، مبنی بر وجود قبر ایشان در خانه خود کنار حجره مطهر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، تعارض دارد. همچنین درباره دو گزارش فوق ابهام‌ها و تناقض‌های دیگری وجود دارد (از جمله ناشناس بودن راوی گزارش ابن شَبّه و وجود قید «یُقال» که تردید و عدم اطمینان راوی را می‌رساند). مجموع این تعارض‌ها و ابهام‌ها، پذیرش دو گزارش فوق را با سختی مواجه می‌کند، و اعتبار آنها را برابر گزارش‌های قبلی ابن شَبّه کاهش می‌دهد و نظریه تعلق مسجد فاطمه بقیع به فاطمه بنت اسد را تقویت می‌کند.

تأثیر تحول مذهبی شهر مدینه بر تحول باورها

مدینه منوره در آغاز پایگاه اصلی جریان اصحاب حدیث و محل شکل‌گیری برخی مذاهب مهم اهل سنت بود، اما بعدها با شکل‌گیری حوزه‌های علمی

دیگری همچون بغداد و نیشابور کم رونق و مرکزیت علمی خود را از دست داد. از سوی دیگر با تسلط خلفای فاطمی بر حرین و به ویژه با شکل‌گیری امارت سادات علوی و امامی مذهب «بنی مهنا» در مدینه (از اوایل سده پنجم هجری)، زمینه مناسبی برای گسترش تشیع دوازده‌امامی در این شهر به وجود آمد و در نتیجه این شرایط، مدینه در نیمه سده ششم به شهری شیعه‌نشین تبدیل شد. (ر.ک: خامه‌یار، ۱۴۴۱ق، ص ۱۷۰-۱۷۵)

در این راستا، گفتنی است مؤلف ناشناخته کتاب *الاستبصار فی عجائب الامصار* - از متون جغرافیایی مهم سده ششم - در بخش آغازین کتاب خود، که به توصیف حرین شریفین اختصاص دارد، شماری از باورهایی را درباره برخی از جایگاه‌های موجود در مسجدالنبی ثبت کرده است^۱ که در رساله کهن وصف مکه و مدینه (از سده چهارم) (که مؤلف کتاب *الاستبصار*، توصیفات خود از حرین را عمدتاً از آن اقتباس کرده است)^۲ و نیز در سایر متون پیش از سده ششم، دیده نمی‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که در نتیجه گسترش تشیع در مدینه منوره در سده ششم، درباره شماری از جایگاه‌های موجود در مسجدالنبی، باورهایی در پیوند با شخصیت‌های اهل بیت علیهم‌السلام شکل گرفته است که نشان‌دهنده تمایلات شیعی مردم این شهر در این دوره و متناسب با آن است. همین

۱. برای مثال در توصیف منبر مسجدالنبی نوشته است: «وفی جانب المنبر من ناحية الروضة حلقة فضة علی کوکب فضة تدور لها صورت اذا حرکت، کان النبی صلی الله علیه و آله یشغل بها الحسن والحسین علیهم‌السلام». در توصیف محراب مسجد نیز نوشته است: «فی وسطه حجر من یاقوت ازرق یذکر أنه وسط عقد فاطمة الزهراء (رض)». در توصیف صحن مسجد نیز آمده است: «فی البلاط الشرقي بناء قائم یشبه المحراب، ذکر أنه کان موضع صلاة فاطمة رضی الله عنها». (الاستبصار، بی تا، ص ۳۹-۴۱)

۲. نگارنده این سطور در مقاله منتشر نشده‌ای به عنوان «بررسی و مقایسه دو متن کهن متعلق به مغرب اسلامی در توصیف حرین شریفین»، به تفصیل به بررسی کتاب *الاستبصار* و اکاوی تاریخ تألیف و مؤلف احتمالی آن، و نیز مقایسه بخش آغازین آن (در توصیف حرین) با رساله کهن وصف مکه و مدینه پرداخته است.

مسئله درباره مسجد فاطمه علیها السلام و بیت الأحزان نیز صدق می‌کند و می‌توان گفت در سده ششم، باور جدیدی درباره مسجد فاطمه علیها السلام میان جامعه شیعه مدینه شکل گرفته و متناسب با این باور، نام آن به «بیت الأحزان» یا «بیت الحزن» تغییر یافته است.

نتیجه‌گیری

بنای بیت الأحزان در قبرستان بقیع، نمونه‌ای از یک مکان مقدس است که باورها درباره آن و ماهیت اولیه آن، در چند سده نخست اسلامی بارها تحول یافته و در نهایت، در نیمه دوم سده ششم، باور جدیدی درباره آن تثبیت شده است. در نتیجه تثبیت این باور نهایی، نام اولیه آن یعنی «مسجد فاطمه» در افواه عامه به «بیت الحزن» یا «بیت الأحزان» (یا سایر نام‌های مشابه) تغییر یافته است. در حالی که ماهیت اولیه این بنا، ترجیحاً مزار حضرت فاطمه بنت اسد، و به قول ضعیف‌تری محل خیمه‌ای در ارتباط با دفن حضرت زهرا علیها السلام در بقیع بوده است.

سیر تحول باورها درباره این زیارتگاه بین سده‌های نخست تا ششم هجری را، چنانکه در منابع تاریخی گزارش شده، می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

| دوره زمانی | سده‌های اول تا سوم | سده چهارم | نیمه دوم سده ششم |
|------------|---|--|--|
| باور رایج | نظریه ۱: قبر فاطمه بنت اسد | باور ۱: محل نماز خواندن امام علی <small>علیه السلام</small> بر حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> | باور ۱: قبر حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> |
| | نظریه ۲: خیمه محل نظارت قبر حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> | باور ۲: محل نماز خواندن حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> | باور ۲: محل سوگواری حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> پس از وفات رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> |

چرایی سیر تحول باورها درباره این مکان مقدس در چند سده را باید در

تحولات بافت اجتماعی مدینه منوره و نبود آگاهی نسل‌های بعدی مردم آن از تاریخ سده‌های گذشته شهر خود جست‌وجو کرد. به‌ویژه در ارتباط با تغییر نام و ماهیت این زیارتگاه از مسجد فاطمه علیها السلام به بیت‌الأحران در نیمه سده ششم و باوری که از این دوره درباره آن شکل گرفته، چرایی این تحول را باید در وجود فضای فکری و مذهبی تشیع دوازده امامی در مدینه منوره در سده ششم هجری جست‌وجو کرد.

منابع

۱. امینی، محمدامین (۱۴۲۸ق). **بقیع الغرقد فی دراسة شاملة**، تهران، مشعر.
۲. ابن اَبَّار، محمد بن عبدالله (۱۹۹۵م). **التكملة لكتاب الصلة**، تحقیق: عبدالسلام الهراس، لبنان، دارالفکر.
۳. ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م). **الفتوح**، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
۴. ابن جبیر، محمد بن احمد (بی تا). **رحلة ابن جبیر**، بیروت، دار صادر.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد (۲۰۰۶م). **شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار**، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۶. ابن سراج، محمد بن علی (۹۹۷ق). **تَفَاح الأرواح ومفتاح الارباح**، دست نویس شماره ۹۷ در مجموعه رابرت گارت در کتابخانه دانشگاه پرینستون.
۷. ابن سعد، محمد (۱۹۸۵م). **الطبقات الكبرى**، بیروت، دار بیروت.
۸. ابن شَبَّه، عمر بن زید (بی تا). **تاریخ المدينة المنورة**، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، بی جا، بی نا.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶). **الاقبال بالأعمال الحسنة**، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. ابن مازہ، محمد بن عمر (۱۳۹۲ش). **لطائف الأذکار للحضار والسُّفَّار**، چاپ اول، تصحیح رسول جعفریان، تهران، علم.
۱۱. ابن نجَّار، محمد بن محمود (۲۰۰۶م). **الدرّة الثمينة فی اخبار المدينة**، تحقیق: صلاح الدین شکر، المدينة المنورة، مرکز بحوث و دراسات المدينة المنورة.
۱۲. ابوطالبی، عمار و صفری فروشانی، نعمت الله، (۱۳۹۷ش) «کاوشی درباره مدفن فاطمه بنت اسد»، **پژوهشنامه حج و زیارت**، ش ۶.
۱۳. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق). **مقاتل الطالبین**، تحقیق: احمد صقر، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
۱۴. (بی تا). **الإستبصار فی عجائب الامصار**، تحقیق: سعد زغلول عبدالحمید، بغداد، دارالشؤون الثقافية

- العامة (آفاق عربية).
 ۱۵. بحر العلوم، محمدمهدی و خامه یار، احمد (۱۳۹۵ش). **زیارتگاه های عراق**، تهران، مشعر.
 ۱۶. حسام السلطنه، مرادمیرزا (۱۳۷۴ش). **سفرنامه مکه**، چاپ اول، به کوشش رسول جعفریان، قم، مشعر.
 ۱۷. خُصَیْکِی، محمد بن احمد (۲۰۱۱م). **الرحلة الحجازية**، تحقیق عبدالعالی لمدير، الرباط، الرابطة المحمدية للعلماء.
 ۱۸. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). **قرب الاسناد**، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث.
 ۱۹. خامه یار، احمد (۱۴۰۱ش). **بهبشت بقیع**، بازنمایی قبرستان مقدس بقیع بر پایه منابع و مدارک تاریخی و هنری، تهران، اندیشه میراث.
 ۲۰. _____، (۱۴۴۱ق)، «التشیع الامامی بالمدينة المنورة فی العصور الاسلامیة الوسطی: دراسة تاریخیة موجزة»، **میقات الحج**، العدد ۵۲.
 ۲۱. خامه یار، احمد و بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۹۹)، «تفاح الارواح ابن سراج دمشقی و اهمیت آن در شناخت صوفیان شام»، **آینه میراث**، ش ۶۶.
 ۲۲. سمهودی، علی بن عبدالله (۲۰۰۱م). **وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی**، ط ۱، تحقیق: قاسم السامرائی، مؤسسه الفرقان.
 ۲۳. صبری پاشا، ایوب (۱۳۰۴ق). **مرآت الحرمین**، قسطنطنیه، مطبعة بحریه.
 ۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۲۹ق). **من لا یحضره الفقیه**، ط ۵، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین.
 ۲۵. علی افندی، علی بن موسی (بی تا). **وصف المدينة المنورة**، رسائل فی تاریخ المدينة، تحقیق: حمد الجاسر، ریاض، دارالیمامة.
 ۲۶. غزالی، محمد بن محمد (۱۹۸۹م). **احیاء علوم السدین**، ط ۲، بیروت، دارالفکر.
 ۲۷. فراهانی، محمدحسین (۱۳۶۲ش). **سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی**، تهران، فردوسی.
 ۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش). **الکافی**، چاپ پنجم، تحقیق علی اکبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
 ۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار**

۳۷. المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری (۱۹۹۰م). ط ۱، بی جا، بی جا، مركز الدراسات العسكرية و الجمعية الجغرافية السورية و المؤسسة العامة للمساحة.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۶ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ط ۱، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۳۹. نجمی، محمدصادق (۱۳۸۳ش). تاریخ حرم ائمه بقیع علیهم السلام و آثار دیگر در مدینه منوره، چاپ سوم، تهران، مشعر.
۴۰. هروی، علی بن ابی بکر (۱۹۵۳م). الإشارات الی معرفة الزیارات، تحقیق جانین سوردیل - طومین، دمشق، المعهد الفرنسی.
۴۱. «وصف مكة والمدینة وبيت المقدس»، تحقیق حمد الجاسر، مجلة العرب، سال سوم، شماره ۵-۶، ۱۳۹۳ق.
- الأنوار، ط ۲، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۳۰. محبّ الدین طبری، احمد بن عبدالله (بی تا). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، تحقیق اکرم البوشی، بی جا، بی نا.
۳۱. محمّد، ولید (۲۰۱۳م). مراقب البصرة لها قصص وحکایات، بغداد، دار و مکتبه عدنان.
۳۲. محیی لاری (۱۳۶۶ش). فتوح الحرمین، چاپ اول، تصحیح: علی محدث، تهران، اطلاعات.
۳۳. مراغی، ابوبکر بن حسین (۲۰۰۹م). تحقیق النصره بتلخیص معالم دارالهجرة، تحقیق: ابویعقوب نشأت کمال، الفيوم، دارالفلاح، ط ۱.
۳۴. مسعودی، علی بن حسین (۱۸۹۳م). التنبيه والإشراف، لیدن، بریل.
۳۵. مطری، محمد بن احمد (۲۰۰۵م). التعریف بما أنست الهجرة من معالم دارالهجرة، تحقیق: سلیمان الرحیلی، ریاض، داره الملك عبد العزيز.
۳۶. معصومعلیشاه، محمد معصوم بن زین العابدین (۱۳۶۲ش). تحفة الحرمین؛ سفرنامه نایب الصدر شیرازی، چاپ اول، تهران، بابک.

